### بازکاوی طرح‌های جمع‌آوری معتادان متجاهر و برخورد با سارقان در گفت‌وگو با «حسن تردست» کارشناس قضایی

# برخورد یک‌جانبه با معتادان و سارقان راه به جایی نمی‌برد

■ حسین فصیحی

**سرقت و موادمخدر دو معضل بزرگ اجتماعی هستند که هر روز بر پیچیدگی‌های آن اضافه می‌شود. ورود مخدرهای جدید و واردشدن پدیده‌های نوین به زندگی اجتماعی در کنار ناکارآمدی ساختارهای قانونی برای پیشگیری از بروز این آسیب‌ها منجر شده‌است پیامدهای ناشی از سرقت و موادمخدر چهره شهرها را بیش از هر زمان دیگری آلوده کند. با وجود اینکه طرح‌های بسیاری از سوی پلیس در مبارزه با این آسیب‌ها صورت گرفته‌است، فراوانی آمار سارقان و رهابودن معتادان متجاهر در معابر ضرورت بازنگری در سیاست‌های شکست‌خورده را بیش از هر زمان دیگری الزام بخشیده‌است. در تازه‌ترین اقدام پلیس دو طرح مبارزه با سرقت و معتادان متجاهر و خرده‌فروشان موادمخدر را عملیاتی کرده‌است که در این‌باره با حسن تردست، دادستان و قاضی سابق محاکم کیفری یک استان تهران گفت‌وگو کرده‌ایم.**

**معتادان متجاهر یکی از معضلات مهم اجتماعی هستند. پلیس اعلام کرده‌است که عزم خود را برای جمع‌آوری این افراد و بازداشت خرده‌فروشان به کار گرفته‌است. این فراوانی به چه دلیل ایجاد شده و آیا امکان عملی‌شدن سخن پلیس وجود دارد؟**

وقتی یک بزهکار مثل معتادان متجاهر، چند سالی رها می‌شود و بعد برای جمع‌آوری آن اقدام می‌شود، برخورد با این مسئله دشوار می‌شود، چراکه موجب تعدد معتادان متجاهر شده و گستردگی پیدا کرده و قبح بزه‌بودن عمل از رفته‌است. در مورد بخش دوم پرسش شما هم با یک تصمیم آنی مشکل بشود این موضوع را حل کرد و شاید در دراز مدت بشود آن را حل کرد که آن هم لازمه‌اش این است که ما مراکز ترک اعتیادی داشته‌باشیم و اشخاصی که گرفتاری اعتیاد پیدا کرده‌اند، حمایت شوند. به صرف اینکه برخورد می‌کنیم، اما زیرساخت‌ها آماده نباشد، بعید است بشود به طور کلی معابر را از وجود معتادان پاکسازی کنند، مگر اینکه زیرساخت‌ها آماده باشند. مراکزی که بتوانند بازپروری کنند و برای ترک معتادان به آنها کمک کنند.

موضوع بیکاری هم به این مسئله دامن می‌زند. ما دچار تورم بیکاری هستیم. وقتی معتاد می‌خواهد ترک کند، نیازمند مشغولیت شغلی است که بتواند خود را تأمین کند. خیلی از این معتادان برای تأمین خرج اعتیادشان موادفروشی هم می‌کنند و مبالغی از این راه به دست می‌آورند، از همین رو موضوع مبارزه با اعتیاد و معتادان متجاهر، نیازمند برخورد چندجانبه و برنامه‌ریزی چندجانبه است و با یک حرکت و شعار خبری، نمی‌شود با یک بزه عمومی که سال‌هاست در منظر عموم دیده می‌شود، برخورد کرد. این موضوع همان‌طور که گفتم چندجانبه است و عملکرد مراکزی مثل بهزیستی یا شهرداری و دیگر سازمان‌ها باید در یک پکیج اقدامات کشوری انجام شود و در قالب همان زیرساخت‌هایی که عرض کردم با معتاد برخورد شود. چند نفرشان را ببرند زندان؟ ما امروز با تورم زندانیان مواجه هستیم. برای اینکه برخورد جدی شود، زیرساخت‌ها باید فراهم شود.

**یکی از پیوست‌های معتادان متجاهر ارتکاب آنها به جرائمی مثل سرقت خصوصاً سرقت‌های خرد است. ارزیابی شما در این‌باره چیست؟**

معتادان باید هزینه‌های اعتیادشان را تأمین کنند. یکی از مسائلی که به آن اشتغال دارند، موادفروشی یا سرقت‌های خرد است که می‌تواند به آنها کمک کند مخارج اعتیادشان را تأمین کنند. وقتی با موضوع اعتیاد برخورد شد، طبعاً مسئله سرقت‌ها هم آمارشان پایین خواهد آمد و همه این مسائل از نظر جرم‌شناسی و بزه‌های اجتماعی با هم مرتبط هستند و همدیگر را تقویت می‌کنند. اعتیاد سرقت و سرقت اعتیاد را تقویت می‌کند، بیکاری هم همین‌طور و مسائل دیگر هم دخیل هستند.

**به هر صورت رها بودن معتادان متجاهر مقابل چشم شهروندان آزاردهنده است. این موضوع جایگاه قانونی پلیس و دستگاه قضایی را نزد مردم مخدوش نخواهد کرد؟**

وقتی آمار اعتیاد بالا می‌رود و در جامعه دیده می‌شود، این موضوع روح جمعی جامعه را آزار خواهد داد. این موضوع از نظر روانی روی ذهن جامعه هم اثر می‌گذارد و نمای شهری، نمای دلپسندی نمی‌شود. شاهدیم که مزاحمت‌های صورت گرفته واقعاً انسان را خسته و عصبی می‌کند. راننده‌های زیادی بوده‌اند که به دلیل مزاحمت‌های صورت گرفته از سوی این افراد عصبانی شده و برخوردهایی داشته‌اند. به هر حال وجودشان در منظر عموم، موجب آزردگی روح جمعی جامعه می‌شود و این آزردگی مردم را نسبت به مسئولان کشور بدبین و مکدر می‌کند.

**بخش دیگری از مأموریت پلیس در این روزها اجرای طرح‌های مبارزه با سرقت است. یکی از معضلات بزرگ جامعه علاوه بر اعتیاد، معضل سارقان است که چرخه سرقت‌شان همچنان برقرار است. پلیس هم طرح‌های مبارزه با سرقت را انجام داده‌است و بررسی‌ها حکایت از این دارد که عمده این افراد هم سابقه‌دار هستند. اجرای این طرح را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

مسئله سرقت یا هر بزه اجتماعی تعریف شده و چندجانبه است و زمانی که تورم و آمار بیکاری بالا باشد، وجود دارد. یک مطلب هم هست که قوه قضائیه و پلیس در چرخه آخر ماجرا قرار دارند و بعد از وقوع جرم وارد می‌شوند. ما شاهدیم عدم کنترل بعد از آزادی هم سبب شده‌است برخی سارقان مرتکب جرائم دیگر حتی جرائم درجه اول شوند. بررسی سوابق بعضی سارقان بعد از دستگیری مشخص می‌کند سوابق بیشتری دارند که معلوم است مجازات‌ها و رسیدگی‌های قبلی بازدارنده نبوده‌است. فلسفه مجازات‌ها، وجود پلیس و وجود دستگاه قضایی برای این است که برخورد با مجرم هم موجب تنبیه متهم شود و هم جنبه بازدارندگی داشته باشد و جلوگیری از تجری خود متهم و دیگر افراد شود. وقتی برخورد قضایی و انتظامی ضعیف شود، هم موجب تجری متهم می‌شود و هم موجب تجری دیگران می‌شود که به فراوانی آمار اضافه می‌کند. وقتی می‌بینیم یک سارق حرفه‌ای که چند سابقه دارد، دستگیر و چند ماه بعد آزاد می‌شود، هم تجری برای متهم است و هم تجری نسبت به دیگران است که وارد بازار بزهکاری اجتماعی شده‌اند.

**در جوامع پیشرفته وظیفه کنترلی مجرمان به چه شیوه‌ای عمل می‌شود؟**

یکی از مسائلی که در چند کشور روی آن مطالعه داشته‌ام، این است که این افراد مورد نظارت عام قرار می‌گیرند. از طریق کارت هویت ملی و از نظر هویت ملی‌شان در فعالیت‌های اجتماعی تحت کنترل هستند که این موضوع بر عهده پلیس است که تحت نظر دستگاه قضایی باید عمل شود که شخص را رصد کنند که وقتی سارقی آزاد می‌شود، این فرد در جامعه یله نشود و به چرخه جرم برگردد. بنابراین باید نظارتی وجود داشته باشد که از نظر هویت ملی مورد نظارت قرار گیرند. این افراد از نظر عملکرد، اشتغال و موارد دیگر باید رصد شوند و معلوم شود بعد از آزادی چه می‌کنند.

**یعنی بخشی از توان پلیس صرفاً باید برای کنترل این افراد به کار گرفته شود؟**

بله. در کشورهای دیگر هم وجود دارد که اشخاص تحت نظارت هستند و مرتب از نظر فعالیت‌های اجتماعی‌شان کنترل می‌شوند.

**خب در اینجا طبقه‌بندی زندانیان هم وجود ندارد و آن گونه که می‌دانید مجرمی که اولین‌بار به زندان افتاده است، کنار مجرمان حرفه‌ای قرار می‌گیرد. این معضل را چگونه می‌شود حل کرد؟**

به نکته خوبی اشاره کردید. این مشکل از قبل از انقلاب وجود داشت که فضای ندامتگاه برخلاف کلام امام که فرمودند زندان‌ها باید دانشگاه باشد، متأسفانه زندان‌ها نتوانستند بعد از انقلاب رسالت آموزشی و تربیتی را اعمال کنند و یکی از آسیب‌های ما مسئله زندان و عدم طبقه‌بندی جرائم است. کسی که بار اول مرتکب جرم شده‌است در زندان با حرفه‌ای‌ها نگهداری می‌شود. من زمانی که دادستان بودم و به زندان‌ها سرکشی می‌کردم، متوجه شدم آنها شب‌ها سوابق خودشان را به اشتراک می‌گذاشتند، به گونه‌ای که بزرگنمایی آنها و خلاف‌هایی که مرتکب می‌شدند، سبب می‌شد دیگران برای ارتکاب جرم تحریک شوند و این گونه روحیه مجرمانه تقویت می‌شود.

**فارغ از مسائلی که اشاره کردید بخشی از جرائم هم در زندان‌ها صورت می‌گیرد. این را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اینکه مصیبت است. در حال حاضر گوشی‌های تلفن همراه در زندان‌ها اجاره داده می‌شود و فرد هر زمان اراده کند می‌تواند تماس بگیرد. کنترلی هم وجود ندارد. مواردی داشته‌ایم که از داخل زندان کلاهبردار محکوم به ۱۵ سال زندان پروسه‌های کلاهبرداری را هدایت کرده‌است که معلوم است ارتباط وی کنترل نشده‌است و این موارد باید کنترل شود. در یک برایند کلی ما در یک جنبه نمی‌توانیم با این جرائم برخورد کنیم، باید چندجانبه و گروه‌های مختلف و مسئولان مختلف و مراجع مختلف از بازرگانی، اقتصادی، بهزیستی و فرهنگی در یک مجموعه برای اصلاح وضعیت موجود هماهنگ شوند. اینکه پلیس اعلام کند با سرقت یا اعتیاد مبارزه می‌کند، نمی‌تواند موفق باشد.

## نقل و انتقال خودرو در ۵۰ دقیقه

**رئیس پلیس راهور فراجا با بیان اینکه از ابتدای سال ۷ میلیون نقل و انتقال وسیله نقلیه در مراکز تعویض پلاک انجام شده گفت که در صورت کامل بودن مدارک مراجعان، مدت زمان انجام نقل و انتقال در این مراکز ۵۰ دقیقه است.**

سردار سیدکمال هادیانفر روز گذشته در حاشیه بازدید از مرکز تعویض پلاک چیتگر گفت: در روزهای پایانی سال شاهد افزایش مراجعان برای نقل و انتقال خودروها هستیم. وی درباره مدت زمان تعویض پلاک خودرو در مراکز گفت: صفر تا صد فرآیند نقل و انتقال خودرو در مراکز در صورتی که افراد مدارکشان کامل باشد، حدود ۵۰دقیقه طول می‌کشد. اگر فردی نقص مدرک داشته باشد، این موضوع ارتباطی با پلیس ندارد و نباید مثلاً زمان جست‌وجو برای یافتن مدرک را هم جزو زمان تعویض پلاک قلمداد کند. هادیانفر درباره بیشترین مشکلات مراجعه‌کنندگان نیز گفت: در بازدیدی که امروز از یک مرکز تعویض پلاک داشتیم متوجه شدیم بیشتر مشکلات مربوط به مدارک معاینه فنی، عوارض شهرداری و احراز محل سکونت است که البته این مشکلات ارتباطی با پلیس راهور ندارد.

رئیس پلیس راهور فراجا با بیان اینکه توسعه خدمات هوشمند در پلیس راهور در دستور کار است، گفت: یکی از این خدمات نوبت‌دهی اینترنتی مراکز شماره‌گذاری و تعویض پلاک است. لازم است که مراجعه‌کنندگان حتماً با مدارک کامل به این مراکز مراجعه کنند و حتماً از قبل نوبت اینترنتی را دریافت و در زمان تعیین‌شده به این مراکز مراجعه کنند. وی به اخذ بیش از ۷/۵ میلیون نوبت اینترنتی برای نقل و انتقال وسایط نقلیه اشاره کرد و گفت: بار دیگر تأکید می‌کنم که افراد حتماً از سایت نوبت‌دهی استفاده و بعد به مراکز مراجعه کنند.

رئیس پلیس راهور در پایان به بحث وکالتنامه برای نقل و انتقال خودرو اشاره کرد و گفت: افرادی که تصمیم دارند برای نقل و انتقال خودرو وکالت بدهند یا آنهایی که وکالت می‌گیرند به شرایط وکالتنامه از جمله مدت، حق توکیل و موارد اینچنینی دقت کنند، تا در هنگام مراجعه به مراکز دچار مشکل نشوند.

## تماس پلیس قاتلان فراری را گرفتار کرد

■ غلامرضا مسکنی

**دو مجرم تحت تعقیب که پس از ارتکاب قتل به سمت مرز ماکو در حال فرار بودند، در تماس تلفنی که پلیس با یکی از آنها برقرار کرد، شناسایی و قبل از خروج از کشور بازداشت شدند.**

ساعت ۳ بامداد روز شنبه، ششم اسفند به مأموران پلیس تهران خبر رسید یک مرد جوان زخمی در بیمارستان فوت کرده‌است. مأموران پلیس وقتی به بیمارستان رسیدند، با جسد خونین پسر جوانی به نام شهروز روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده‌بود. مأموران پلیس در تحقیقات میدانی دریافتند چند ساعت قبل دو سرنشین خودروی پرایدی در یکی از خیابان‌های اطراف میدان شهدا راه شهروز را سد و پس از درگیری و وارد کردن ضربات چاقو به بدنش از محل فرار می‌کنند.

■ کارت‌های بانکی

مأموران پلیس در بازرسی بدنی از مقتول دو عدد کارت بانکی کشف کردند که متعلق به او نبود. بررسی‌ها نشان داد کارت‌های بانکی متعلق به دو نفر از دوستانش به نام‌های پیمان و سلمان است.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند تا اینکه در بررسی‌های فنی هم مشخص شد خودروی پرایدی که راه مقتول را سد کرده‌است، متعلق به سلمان است. بررسی‌ها حکایت از آن داشت که شهروز به احتمال زیاد در درگیری با یکی یا هر دو دوستش به قتل رسیده‌است.

سپس مأموران در گام بعدی برای بررسی موضوع با تلفن پیمان تماس گرفتند و وی هم که خبر نداشت مأموران پلیس پشت خط هستند، به تلفن همراهش جواب داد.

پیمان وقتی متوجه شد کارآگاهان پلیس آگاهی پشت خط تلفن هستند و دست آنها در درگیری خونین با دوست مشترکشان برملا شده‌است، به مأموران گفت که سلمان قاتل است. او تلفنی به مأموران گفت که به خاطر اختلاف مالی با شهروز درگیر شده‌اند و سلمان او را با چاقو زده‌است. وی گفت: «ما با شهروز اختلاف مالی داشتیم و او به همین دلیل کارت‌های بانکی‌مان را که به صورت امانت به او داده‌بودیم، پس نمی‌داد. شب حادثه راه او را سد کردیم تا کارت‌های عابرمان را پس بگیریم که در درگیری سلمان به او چاقو زد.»

در حالی که متهم حادثه را شرح می‌داد، مأموران از پشت تلفن صدای همدست او را شنیدند که به پیمان می‌گفت تلفن را قطع کن، به مرز ماکو نزدیک شده‌ایم و بعد هم تلفن همراه قطع شد.

بدین ترتیب، مأموران متوجه شدند دو متهم با خودروی پرایدشان در حال رفتن به طرف مرز ماکو هستند تا از کشور فرار کنند. با به دست آمدن این اطلاعات، شماره پلاک خودروی متهمان در اختیار مأموران پلیس شهرستان ماکو قرار گرفت و مأموران پلیس آن شهرستان هم ظهر دیروز خودروی متهمان را در نزدیکی مرز متوقف و دو متهم را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. متهمان در بازجویی‌های اولیه به درگیری با مقتول اعتراف کردند. دو متهم به زودی برای تحقیقات بیشتر به تهران منتقل می‌شوند و در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار می‌گیرند.

## قتل پدر برای رسیدن به یک دختر

**مردی که متهم است برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌اش پدر خود را به قتل رسانده به جرمش اعتراف کرد.**

به گزارش «جوان»، ساعت یک بامداد دوشنبه، دهم بهمن ماه امسال، قاضی وحید ناصری بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران باتماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه از قتل مرد سالخورده‌ای در خانه‌اش باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. مأموران پلیس در نخستین گام از پسر مقتول که موضوع قتل را خبر داده‌بود، تحقیق کردند. وی در ادعایی گفت: «پدر و مادرم مدتی قبل از هم جدا شدند و من همراه مادرم در کرج زندگی می‌کردم. دو هفته قبل، پیش پدرم آمدم و همراه او بودم. ساعتی قبل برای انجام کاری از خانه بیرون رفتم و وقتی به خانه برگشتم، دیدم خانه به هم ریخته و پدرم نیز با ضربه چاقو به قتل رسیده‌است.»

■ صحنه‌سازی

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مقتول با ضربه چاقویی به پشت گردنش به قتل رسیده که حکایت از آن دارد قاتل آشنا بوده و در فرصتی مناسب او را به قتل رسانده‌است. از سوی دیگر، مأموران در بررسی محل حادثه دریافتند از خانه مقتول هیچ سرقتی نشده‌است و به نظر می‌رسد صحنه سرقت و به‌هم‌ریختگی محل حادثه صحنه‌سازی باشد. مأموران همچنین در تن پیمایی از پسر مقتول متوجه آثار کبودی و زخم روی بدن او شدند که نشان می‌داد وی با پدرش درگیر شده‌است. بنابراین با به دست آمدن این اطلاعات کارآگاهان پسر مقتول را بازداشت کردند، اما وی در بازجویی‌ها قتل پدرش را انکار می‌کرد تا اینکه صبح دیروز به قتل اعتراف کرد.

وی در ادعایی گفت: «پدرم از دوران کودکی رفتارش با من خوب نبود. چند سال قبل عاشق دختری شدم و می‌خواستم با او ازدواج کنم، اما پدرم به خواستگاری نرفت و با ازدواج ما مخالفت کرد. دختر مورد علاقه‌ام ازدواج کرد و من از پدرم کینه به دل گرفتم. روز حادثه قلیان می‌کشیدم که ناگهان قلیان افتاد و شیشه آن شکست و زغال‌ها هم روی فرش ریخت. پدرم عصبانی شد و به من فحاشی کرد که عصبانی شدم و در درگیری او را به قتل رساندم. پس از حادثه با صحنه‌سازی می‌خواستم مأموران را فریب دهم، اما دستم رو شد.» متهم به دستور بازپرس وحید ناصری برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

### مردی که همسر و برادرش را به قتل رسانده‌بود بازداشت شد

## متهم: به همسرم بدگمان بودم

■ آرمین بینا

**مرد پولدار که متهم است در جریان دو حادثه خونین همسر و برادرش را با شلیک گلوله به قتل رسانده، پس از دستگیری در یکی از هتل‌های تهران گفت به رفتار همسرش بدگمان بوده‌است.**

ساعت ۱۱ روز سه‌شنبه دوم اسفندماه صدای شلیک گلوله‌ای در خیابان باهنر نزدیکی میدان قدس کاسبان محل را به داخل خیابان کشاند. رهگذران و مغازه‌داران دیدند راننده خودرو پژو ۲۰۷ سواری پس از شلیک به سر مرد میانسالی با خودرو از روی او عبور و به سرعت فرار کرد. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری دربند راهی محل شدند. بررسی‌های مأموران پلیس در محل حادثه نشان داد مرد زخمی کامران ۵۳ ساله نام دارد که لحظاتی قبل همراه برادر ۴۰ ساله‌اش به نام سعید از خانه‌اش بیرون می‌آید، اما سعید در اقدامی غیرمنتظره برادرش را با گلوله زخمی و از محل فرار می‌کند.

■ حادثه دوم

در حالی که تحقیقات برای دستگیری سعید ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید ضارب در حادثه دیگری همسر باردارش را نیز در خانه‌اش حوالی خیابان دیباجی با شلیک گلوله به قتل رسانده و گریخته‌است.

بدین ترتیب با اعلام قتل زن باردار، قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را در محل آغاز کردند. در حالی که تحقیقات برای دستگیری قاتل ادامه داشت، تیم پزشکی بیمارستان اعلام کرد کامران هم بر اثر شدت جراحات فوت کرده‌است.

■ بازداشت قاتل

بدین ترتیب با ثبت دومین قتل، مأموران تحقیقات خود را برای دستگیری قاتل ادامه دادند تا اینکه شامگاه جمعه پنجم اسفند باخبر شدند قاتل فراری در یکی از هتل‌های معروف شمال تهران مخفی شده‌است. سپس مأموران راهی هتل شدند و قاتل را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم صبح دیروز برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل همسر و برادرش اعتراف کرد. وی در ادامه به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ گفت‌وگو با قاتل

**متهم مردی مولتی میلیاردر است که علاوه بر هتلداری در یکی از شهرستان‌ها کارخانه فولاد هم دارد. او می‌گوید درست است که در زندگی‌اش نیاز مالی نداشته و پولش از پارو بالا می‌رود، اما همیشه در زندگی‌اش شانس همراه او نبوده‌است و آنگونه که مردم عادی از زندگی‌شان لذت می‌برند، او لذت نبرده و الان هم با دو قتلی که مرتکب شده‌است، کام خانواده‌اش را تلخ کرده‌است. وی در گفت‌وگو با خبرنگار ما از دو حادثه خونین گفت.**

**سعید سابقه داری؟**

نه من هیچ سابقه‌ای ندارم و فرد آبرومندی هستم و در زندگی‌ام تا قبل از این دو حادثه خطایی نکرده‌بودم که بازداشت و مورد بازجویی قرار بگیرم، اما مدتی است در زندگی بدشانسی می‌آورم و به هر کاری دست می‌زنم با مشکل روبه‌رو می‌شوم و فکر می‌کنم روزگار با من خوب نیست.

**مشکل مالی داشتی؟**

نه. ما خانواده ثروتمندی هستیم و وضع مالی خوبی داریم. ما علاوه بر هتلداری و سرمایه‌گذاری متفاوت در یکی از شهرستان‌ها کارخانه فولاد داریم. منظورم از بدشانسی، مشکلات مالی نیست چون من با اینکه از نظر مالی مشکلی ندارم، اما مانند افراد عادی از زندگی‌ام لذت نبرده‌ام. حتی احساس می‌کردم همسر دومم که همه چیز برای او فراهم کرده‌بودم با من خوب نیست.

**چطور با همسرت آشنا شدی؟**

او دو فرزند داشت که از همسرش جدا شده‌بود و چهار سال قبل در هتل ما مشغول به کار شد. وقتی با او آشنا شدم، از او خوشم آمد و با او ازدواج کردم. زن و سه فرزند خودم در شهرستان زندگی می‌کنند، اما من خودم در دفتر تهران مشغول به کارم و او را هم برای زندگی به تهران آوردم. خیلی او را دوست داشتم، اما رفتارهای او باعث شد به او مشکوک شوم و همین گمان بد هم آخرش زندگی‌ام را سیاه کرد.

**به خاطر همین گمان بد او را به قتل رساندی؟**

بله. مدتی بود به او بدگمان شده‌بودم و فکر می‌کردم موضوعی را از من پنهان می‌کند. هر روز که می‌گذشت بیشتر به رفتارهای او مشکوک می‌شدم. من زن و فرزند داشتم که با او ازدواج کردم و انتظار داشتم او بیشتر مرا درک کند، اما همسر دومم با رفتارش و بدگویی که پشت سرم انجام می‌داد، شک و تردید مرا نسبت به خودش بیشتر می‌کرد تا جایی که تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. شاید باور نکنید که به خاطر رفتارهای او دو بار با خوردن قرص قصد داشتم به زندگی‌ام پایان دهم، اما نزدیکانم متوجه شدند و مرا از مرگ نجات دادند.

**چرا برادرت را به قتل رساندی؟**

من از قبل با برادرم اختلاف مالی و از او کینه به دل داشتم. وقتی صبح با همسرم درگیر شدم و او را به قتل رساندم، پیش برادرم رفتم و درباره اختلاف مالی‌ام با او حرف زدم. از او خواستم طلبم را بدهد، اما او قبول نکرد که خیلی عصبانی شدم و وقتی از خانه‌اش با هم بیرون آمدیم به او شلیک کردم.

**پس از حادثه به کجا فرار کردی؟**

به هتلی در شمال تهران رفتم و گمان می‌کردم برای مدت محدودی می‌توانم آنجا باشم و بعد به مکان دیگری بروم، اما باز هم بدشانسی آوردم و یکی از آشنایان مرا داخل هتل دیده و به پلیس خبر داده‌بود.

**در این مدت عذاب وجدان نداشتی؟**

عذاب وجدان داشتم و حتی تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان دهم، اما ترسیدم.

**اسلحه را از کجا تهیه کرده‌بودی؟**

مدتی قبل از یکی از شهرهای غربی کشور به مبلغ ۱۰ میلیون تومان خریدم.

**حرف آخر؟**

خیلی پشیمان هستم، اما می‌دانم پشیمانی فایده‌ای ندارد و ای کاش عاقلانه فکر می‌کردم.

**مفقودی**

اینجانب حسین سینا مالک سواری دنا به شماره انتظامی ۴۷۴ژ۱۱ ایران ۳۱ و شماره موتور ۱۴۷H۰۱۵۹۰۹۸ و شماره شاسی NAAW۰۱HEXFE۰۳۲۵۱۰ به علت فقدان سند سازمان فروش ایران خودرو تقاضای رونوشت (المثنی) سند کمپانی و برگ سبز خودرو مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر شخصی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام قانونی به عمل خواهد آمد.
لرستان

**مفقودی**

اینجانب عفت نظامی مالک پژو پارس به شماره انتظامی ۵۶۷ن۷۱ ایران ۴۱ و شماره موتور ۱۲۶۸۸۰۰۲۱۱۵ و شماره شاسی NAAN۴۱DC۷AE۶۰۳۴۳۵ به علت فقدان سند سازمان فروش ایران خودرو تقاضای رونوشت (المثنی) سند کمپانی و برگ سبز خودرو مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر شخصی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام قانونی به عمل خواهد آمد.
لرستان

**مفقودی**

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی سمند LX مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۱۹- ۳۷۴م۴۱ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۰۱۹۹۴ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۸AF۷۹۷۴۱۴ متعلق به حسن آزادبخت با کد ملی ۴۲۰۸۵۱۲۷۴۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

**مفقودی**

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی سمند LX مدل ۱۳۸۴ به رنگ بژ متالیک و شماره پلاک ایران ۶۸ - ۱۴۵و۹۹ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۶۵۴۰۴ و شماره شاسی ۱۷۶۰۵۸۲۵ متعلق به تقی تن‌آسا با کد ملی ۵۳۸۸۹۹۹۸۰۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز